



اعترافات یک کتاب خوان معمولی

آنه فدیمن

ترجمه محمد معماریان



این اثر ترجمه‌ای است از:

**Ex Libris: Confessions
of a Common Reader**
Anne Fadiman
Farrar, Straus and Giroux; 2000

سرشناسه: فدیم، آن، ۱۹۵۳ - م.

Fadiman, Anne

عنوان و نام پدیدآور: اعترافات یک کتاب‌خوان معمولی/ آنه فدیمن ؛

ترجمه محمد معماریان ؛ ویراستار محمدصادق دهقان.

مشخصات نشر: تهران: ترجمان علوم انسانی، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۹۱-۷۷-۶

رده بندی کنگره: PN۶۸۷۴

رده بندی دیویی: ۸۱۴/۵۴

شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۱۳۲۵۰

اعترافات یک
کتاب‌خوان معمولی

نویسنده: آنه فدیمن | مترجم: محمد معماریان
ناشر: ترجمان علوم انسانی | ویراستار: محمد صادق
دهقان | طراح جلد: حمید اقدسی یزدلی
ترجمه آرا: علی اصغر مالک | چاپ: زیتون
تیراژ چاپ: پنجم، ۱۴۰۱ | شمارگان: ۵۰۰ نسخه

طرح زمینه جلد برگزیده از مجموعه آثار سوفی بلکال است:

Sophie Blackall, *My Confessions: Love, Lost & Found*, 2011

این اثر با همفکری و مشاوره کارشناسان نهاد
کتابخانه‌های عمومی کشور انتخاب و ترجمه شده است.

پست الکترونیکی: tarjoman.nashr@gmail.com

فروشگاه اینترنتی: www.tarjomaan.shop

حقوق چاپ و نشر در تمام قالب‌ها اعم از
کاغذی، الکترونیکی و صوتی انحصاراً برای
انتشارات ترجمان علوم انسانی محفوظ است.

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.



معرفی نویسنده

آنه فدیمن، متولد ۲۷ اگوست ۱۹۵۳ در نیویورک، روزنامه‌نگار و نویسنده آمریکایی است که در حیطه روزنامه‌نگاری ادبی یادداشت‌نویسی، شرح حال‌نویسی و زندگی‌نامه‌نویسی فعالیت می‌کند. او در سال ۱۹۹۷ کتاب *به چنگ روح می‌افتی و از پا در می‌آیی* برنده «جایزه حلقه منتقدان کتاب ملی آمریکا» و همچنین «جایزه کتاب لس‌آنجلس تایمز» شد. فدیمن نخستین ویراستار مجله کتابخانه کلمه ملی آمریکا بوده است و از پرسابقه‌ترین و موفق‌ترین ویراستارهای آمریکا محسوب می‌شود. کتاب *اعترافات یک کتاب‌خوان معمولی* مجموعه‌ای از یادداشت‌های او در این مجله است. برخی از آثار او عبارت‌اند از:

At Large and At Small: Familiar Essays (Farrar, Straus and Giroux, 2007)

Rereadings: Seventeen writers revisit books they love (Farrar, Straus and Giroux, 2005)

The Spirit Catches You and You Fall Down: A Hmong Child, Her American Doctors, and the Collision of Two Cultures (Farrar, Straus and Giroux, 1997)

فهرست

- ۹ سخن ناشر
- ۱۱ یادداشت مترجم
- ۱۳ پیشگفتار
- ۱۷ تقدیر و تشکر
- ۲۱ [۱] وصلت کتابخانه‌ها
- ۲۹ [۲] لذت درازآلودگی
- ۳۷ [۳] طبقه عجیب کتابخانه‌ام
- ۴۵ [۴] غزل را تمسخر نکن
- ۵۱ [۵] کتاب هرگز چنین کاری نکند
- ۵۹ [۶] زنانگی حقیقی
- ۶۷ [۷] کلمات روی لبه صفحه خالی
- ۷۵ [۸] تو بجایی!
- ۸۱ [۹] مسئله His'er
- ۸۷ [۱۰] درج کدو
- ۹۵ [۱۱] جوهر ابدی
- ۱۰۱ [۱۲] شکم چران ادبی
- ۱۰۹ [۱۳] زیر آسمان چیز جدیدی نیست
- ۱۱۵ [۱۴] امر کاتالوگی
- ۱۲۳ [۱۵] قلعه‌های اجدادی من
- ۱۳۱ [۱۶] شریک شدن در کتک‌کاری
- ۱۳۹ [۱۷] امپراتوری کتاب‌های جناب نخست‌وزیر
- ۱۴۵ [۱۸] نثر دست‌دوم
- ۱۵۱ پیشنهادهایی برای مطالعه
- ۱۵۵ پی‌نوشت‌ها

سخن ناشر

امروزه، در نظر اهل فرهنگ و اندیشه، افول کتاب خوانی یکی از ملموس ترین بحران های جامعه ماست. هر روز اخبار و آمار جدید و گاه مبالغه آمیزی درباره بحران کتاب خوانی و درصد رو به کاهش کتاب خوان ها می شنویم. گاهی قیمت کتاب عامل روی گرداندن از کتاب خوانی معرفی می شود و گاهی محتوای نامناسب کتاب ها، ترجمه و تألیف های بد و شیوع رسانه های دیجیتال. اما تأمل در این باره بر بخش بزرگی از خوانندگان ما را به خواندن و چالش اصلی آن تغییر دهد: آیا می توانیم تفاوت بارزی بین خواندن و نخواندن قائل شویم؟ آیا نخواندن، همیشه در هر حال، آسیب است؟ آیا مشکل بسیاری از خوانندگان بالقوه این نیست که نمی دانند چه کتابی بخوانند؟ آیا بهتر نیست، به جای راهنمایی مداوم از سوی دیگران و بگردی هنجاری، اشتیاقی برای خواندن مطابق با نگرش شخصی در خوانندگان ایجاد کنیم «مجموعه خواندن»، به دنبال نشان دادن جنبه هایی از این مسائل هستیم که در بحث های امروزی ما کم رنگ هستند.

اعترافات یک کتاب خوان معمولی روایتی صمیمی، طنزآمیز و موشکافانه از تجربیات زندگی با کتاب است. آنه فدیمن، یکی از نویسندگان و روزنامه نگاران معتبر معاصر، در این کتاب، یادداشت هایش درباره کتاب ها را با زندگی اش پیوند داده است و تصویری دوست داشتنی از زندگی با کتاب و آدم های کتاب باز در ذهن خواننده ترسیم می کند. انتشارات ترجمان علوم انسانی در انتخاب و انتشار برخی از آثار این مجموعه از مشورت «نهاد کتابخانه های عمومی کشور» بهره مند شده است. امیدواریم حاصل تلاشمان، پیش از هر چیز، کتاب هایی لذت بخش و خواندنی درباره کتاب ها باشد و عشق به خواندن را جایگزین هراس و اکراه از خواندن کند.

یادداشت مترجم

آنه فدینمن، دانش‌آموخته کارشناسی‌هاوارارد و روزنامه‌نگار و نویسنده با سابقه آمریکایی است که هم‌اکنون، در شصت و چهار سالگی، در دانشگاه ییل ادبیات انگلیسی تدریس می‌کند. تخصص او روزنامه‌نگاری ادبی، یادداشت‌نویسی و زندگی‌نامه‌هاست.

چند ماه پیش اعترافات یک کتاب‌خوان معمولی در میان چند کتاب دیگر، از طرف ناشر، برای بررسی اولیه به من پیشنهاد شد. در میان آن مجموعه، این اثر یکی از دو کتابی بود که تک‌ضرب، تا انتها و کامل خواندم. فدینمن در این کتاب، با لحنی صمیمی و طنزی ملیح، از تجربه‌های زیسته یک عمر کتاب‌خوانی‌اش گفته بود و هرچند سال‌ها از نگارش‌شان می‌گذشت، لابد به خاطر حس عمیق و بی‌زمان مطالعه، قلب‌های من را نظر نمی‌آمدند. گاهی احساس می‌کردم حسی که من نسبت به کتابی داشته‌ام را او شیوای زیسته است؛ و گاهی به خودم می‌گفتم کاش این حس را هم تجربه کنم. از آخرین دوره ادبیات‌خوانی فشرده من، پشت پنجره‌های مخزن کتابخانه مرکزی دانشگاه صنعتی اصفهان، سال‌ها می‌گذرد اما چندین جای متن چشم‌هایم را بستم تا این مزه جدید آن طعم قدیمی را از پوستوی ذهنم بیرون بکشد. اعترافات یک کتاب‌خوان معمولی متن دشواری داشت که برای فهمیدن منظور بسیاری از بخش‌هایش جست‌وجوهای مفصل ضروری بود.

در میان این مجموعه یادداشت‌ها، سه یادداشت به کلمات انگلیسی و ویژگی‌های اختصاصی آن‌ها در این زبان و بازی‌های زبانی با آن‌ها مربوط‌اند. «لذت درازآلودگی» در باب لغات قلمبه‌سلبه طولانی است؛ «مسئله His'er» درباره ضمائر مذکر و مؤنث حرف می‌زند؛ و موضوع «درج کدو» نیز خطاهای ویراستاری در املاي انگلیسی است. انتقال معانی و بازی‌های زبانی در این یادداشت‌ها

پیشگفتار

خواهران جان مک‌گارن^۱، نویسنده ایرلندی، وقتی خردسال بود، هنگامی که کتاب می‌خواند، بند یکی از کفش‌هایش را باز کردند و آن را از پایش درآوردند؛ از جایش تکان نخورد. یک کلاه حصیری روی سرش گذاشتند؛ واکنشی نشان نداد. فقط وقتی صندلی چوبی‌ای که رویش نشسته بود را از زیر پاهایش کشیدند، به تعبیر خودش، «از کتاب بیدار شد».

«بیدار شدن» در مورد بریدن فعل در اینجاست، چون بعضی بچه‌ها از کتاب مثل یک خواب عمیق بیدار می‌شوند؛ شما می‌توانید چندین و چند لایه آگاهی می‌گذرند تا به واقعیتی برسند که، در مقایسه با وضعیت رؤیاگونه‌ی که پشت سر گذاشته‌اند، چندان هم واقعی به نظر نمی‌آید. من از این جنس بچه‌ها بودم. در دوره نوجوانی با الهام از هاردی^۲، در هر نوبت عاشقی‌ام، پسران را به دامون و کلیم^۳ تقسیم‌بندی می‌کردم. بعد از هم، کنار همسرم (مردی از جنس کلیم) بر بستری لم می‌دهم که گوشه‌کنارش پُر از کتاب است؛ با این امید که به دنیا آمدن بچه اولم شبیه به صحنه تولد کیتی^۴ در آناکازینا^۵ باشد، اما نگران از آنکه به وضع حمل خانم تینگامی^۶ در اولیور توئیست^۷ شبیه‌تر شود.

1. McGahern

۲. Thomas Hardy؛ رمان نویس و شاعر انگلیسی (۱۸۴۰ تا ۱۹۲۸).

۳. Damon and Clym؛ دو شخصیت رمان بازگشت قهرمان بومی (The Return of the Native) اثر توماس هاردی. توماسین، زن جوان و معمولی این داستان، در ابتدا دل به دامون می‌بندد؛ مهندس ناکامی که مهمان‌خانه‌دار شده است و با او ازدواج می‌کند؛ اما بعد از او جدا شده و با کلمنت (کلیم) وصلت می‌کند؛ تاجر موفق الماس که به شهرش بازگشته تا آموزگار فقرا و بی‌خبران شود، و همانی است که «بومی» در عنوان کتاب به او اشاره دارد [مترجم].

4. Kitty

6. Mrs. Thingummy

5. Anna Karenina

7. Oliver Twist

زمانی نوشتن این کتاب را آغاز کردم که متوجه ماجرابی عجیب شدم: اغلب وقتی درباره کتاب‌ها چیزی می‌نویسند، انگار آن‌ها را شبیه دستگاه نان برشته‌کن می‌بینند: این مدل دستگاه بهتر است یا آن مدل؟ آیا این دستگاه ۲۴,۹۵ دلار می‌ارزد؟ دیگر درباره اینکه ده سال دیگر چه حسی نسبت به دستگاه جدیدم دارم، یا چه حس لطیفی ممکن است نسبت به دستگاه قدیمی‌ام داشته باشم، نکته خاصی نمی‌شود گفت. در این نگاه که خواننده را یک جور مصرف‌کننده می‌بیند (نگاهی که خودم نیز در چندین و چند مرور کتاب همدستش بوده‌ام)، خیلی راحت چیزی را نادیده می‌گیرند که به نظرم بطن کتاب خوانی است: نه میل به خرید یک کتاب جدید، بلکه نحوه حفظ رابطه‌هایمان با کتاب‌های قدیمی‌مان، که سال‌ها با آن‌ها زندگی کرده‌ایم، که بافت و رنگ و بویشان مثل پوست بچه‌هایمان برایمان آشنایند.

ویرجینیا وولف^۱ در رمان کتاب خوان معمولی^۲ (که عنوانش را از سطری از زندگی گری^۳ اثر ساموئل جانسون^۴ وام گرفته است) از «همه آن اتاق‌هایی» نوشت که «محققتر از آن‌اند که کتابخانه نام بگیرند. اما پُر از کتاب‌اند، جایی که مردم عادی پیگیر خواندن می‌شوند». او گفت کتاب خوان معمولی منتقد و پژوهشگر فرق دارد. کمتر تحصیل کرده و طبیعت چندان استعدادی به او عطا نکرده است. او برای لذت خود می‌خواند، نه برای کسب معرفت یا تصحیح نظرات دیگران. فراتر از همه این‌ها، با این نویز پیش می‌رود که با خُرده‌پاره‌هایی که سرراش قرار می‌گیرند، کلیتی خلق کند. این کتاب معمولی است که سعی کرده‌ام از هزاران خُرده‌پاره تلنبار در طبقات کتابخانه‌ام خلق کنم.

من این هجده یادداشت را ظرف چهار سال نوشتم. یادداشت‌ها در اینجا به ترتیب نگارششان آمده‌اند، به جز دو مورد آخر که جایشان با هم عوض شده است. به واقعیت‌های روایت‌شده در این یادداشت‌ها دست نزده‌ام: مثلاً وقتی درباره ویلیام کانسلر^۵ می‌نوشتم او زنده بود، پس در این صفحات هم زنده است. در طول آن سال‌ها پسر من به دنیا آمد، دخترم خواندن یاد گرفت، من و همسر من چهار ساله شدیم، مادرم هشتادساله شد، پدرم نودساله شد، اما کتاب‌هایمان، حتی آن‌ها که پیش از تولدمان چاپ شده بودند، تکان نخوردند. آن‌ها گذر

1. Virginia Woolf
2. The Common Reader

3. Life of Gray
4. Samuel Johnson

۵. William Kunstler: حقوق‌دان و فعال حقوق شهروندی (۱۹۱۹ تا ۱۹۹۵) [مترجم].

زمان را ضبط و ثبت کردند و چون یادآور همهٔ دفعات خواندن و بازخوانی‌شان بودند گذر چندین دهه را منعکس می‌کردند.

کتاب‌ها داستان زندگی‌مان را نوشتند و، با تلبارشدن روی طبقات کتابخانه (و روی طاقچه و زیر کاناپه و بالای یخچال)، خود به فصل‌های این داستان تبدیل شدند، که نمی‌توانست جزاین هم باشد.

آنه قدیمن

تقدیر و تشکر

www.ketab.ir

پنج سال پیش چیزی به نام استن استیو از من تیش گرفت و پرسید که آیا ما می‌توانیم به
 تیش شدن کمک کنیم یا نه. پشت تاش من می‌توانستم ببینم که منظورش تمدن (Civilization)
 یا حرف اول برگردن کج‌تر است. لذا برای چند لحظه به این فکر کردم که شاید
 از آن است که می‌توانیم با تیش از پشت میوه فراخورنده شیدام تا از بیستاد مانه‌نگری شید
 برویم و روشی را پیدا کنیم که حقیقت دور از تحولات من بود. شیدات‌هایی هم
 داشتیم در مورد حقیقت‌ها. اما کتاب‌ها کنگره‌ها، گنجینه‌ها، نظریه‌ها، زمان‌شهر
 آمده‌اند. همدردی‌های گسترده و حساسیت‌ها. اما همان‌جایی که من آورده‌ام، اولی با
 اینکه حکمی شیدام، در کویچه‌های ویران‌کرده‌شان و در میان‌های منجمد بودندی
 تلاش‌شهر که می‌تواند من
 رفتی به استیو گفتیم می‌خواستیم مستقری با عنوان «حوارنداً» بسازیم. می‌دانم که
 پاسخ مثبت داد. گفتیم که خیال‌گزارش نویسی شروع و در برابر خودم نویسم. حکمی که در
 ابتدا پاره‌ها بود اما در نهایت برایم به‌عنوان بخش شد. حقیقت حاصل آنکه برخی از آن‌ها هم
 داده‌ام. طرالی ترک‌زاده‌ام با آن‌ها دوست بودم، به این کتاب‌ها تبدیل شدند. استن استیو
 با این طرالی کرده. آن هم با چنان مهارت تیش‌های که گاه و بسوسه‌ها می‌شدم کلمات خودم را
 در برهم و حقیقت‌نگاری‌های او را منتشر کنم.
 همچنین ما هم از کارمندان مجله تشکر کنم. از آن‌ها که از آن‌ها که در این زمینه
 حرف‌ها گفتند. نهایتاً، این‌ها، آرون، ماز، کیش، اوه‌مال‌راد، دیات، پارکر، دیوید، وین، و چارلز وینسنت.
 I. Stephen G. Smith
 در تهران، یکی از قوی‌ترین و پویان‌ترین شهرها در منطقه‌ای وسیع است.